

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 5, Summer 2020, 245-270
Doi: 10.30465/crts.2020.26148.1577

Review and Critique of the Translation of the Book *The Relevance of Natural Science to Theology*

Ali Reza Farsi Nezhad*

Abstract

Numerous books have been written or translated on the “relationship between science and religion” or “the relationship between science and theology.” One of these books is “*The Relevance of Natural Science to Theology*” by William H. Austin. This book is one of the few books that deals with the relationship between natural science and theology in a specialized and detailed way. The book has been translated by Ali Haqqi as “Relation of Natural Science to Theology”. The author sought to translate the content of the book into Persian, but found the translation so vague, inaccurate, and erroneous that he preferred to criticize the book’s translation in a critical-analytical way instead of criticizing the book’s content. The translation of this book is not suitable for any textbook or even a research source. Providing such translations with this volume of errors, for publication by the esteemed translator, and for publication by the esteemed publisher without prior professional judgment or at least without eliminating the apparent flaws should be seriously taken into account.

Keywords: Relationship between Science and Religion / Theology, Natural Science, Theology, William H. Austin, Ali Haqqi

* Assistant Professor in Islamic Philosophy and Kalam, Faculty Member of Shiraz University, Shiraz, Iran, alifarsi@shirazu.ac.ir

Date received: 2020-01-23, Date of acceptance: 2020-06-06

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و نقد ترجمه کتاب ربط علم طبیعی به الهیات

علی‌رضا فارسی‌نژاد*

چکیده

در مورد «رابطه علم و دین» یا «رابطه علم و الهیات» کتاب‌های متعددی نگاشته یا ترجمه شده است. یکی از این کتاب‌ها، کتاب *The Relevance of Natural Science to Theology* اثر ویلیام اچ. آستین است. این کتاب از معدود کتاب‌هایی است که به صورت تخصصی و تفصیلی به مسئله رابطه علم طبیعی و الهیات پرداخته است. کتاب مزبور را علی حقی با عنوان *ربط علم طبیعی به الهیات* ترجمه کرده است. نگارنده با هدف ارزیابی و نقد محتوای کتاب سراغ ترجمه فارسی آن رفت، اما ترجمه را آن قدر مبهم و نارسا و پرغلط یافت که ترجیح داد به جای نقد محتوای کتاب با روش تحلیلی - انتقادی به نقد ترجمه کتاب بپردازد. ترجمه کتاب مزبور با وضع موجود برای هیچ متن درسی و حتی منبع تحقیقی مناسب نیست. ارائه چنین ترجمه‌ای با این حجم از اشکالات، جهت چاپ از سوی مترجم محترم، و انتشار آن از سوی ناشر محترم بدون داوری تخصصی قبل از چاپ یا دست کم بدون برطرف کردن اشکالات ظاهری جای بسی تأمل دارد.

کلیدواژه‌ها: رابطه علم و دین / الهیات، علم طبیعی، الهیات، ویلیام اچ. آستین، علی حقی.

۱. مقدمه

رابطه علم و دین / الهیات از دیرباز مورد توجه اندیشمندان جهان بوده است، اما اوج این مسئله بعد از قرون وسطی و بعد از رنسانس و به ویژه در دوره جدید تاریخ فلسفه و

* استادیار فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، alifarsi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷

تمدن غربی بوده است که علوم تجربی به نوعی بر فلسفه و علوم عقلی برتری یافت (بنگرید به خسروپناه ۱۳۸۲: ۳۲-۳۵، ۸۹؛ محیطی اردکانی ۱۳۹۲: ۳۰) و عده‌ای شیفته و دل‌باخته علوم تجربی شدند و علوم عقلی و دینی را بی‌اعتبار دانستند و آن را به‌چالش کشیدند؛ به‌ویژه در مواردی که یافته‌ها و حتی داده‌های علم تجربی در ظاهر با آموزه‌های دینی ناسازگار می‌نمود.

در مورد رابطه علم و دین/الهیات و سازگاری یا ناسازگاری آن دو کتاب‌های متعددی به زبان فارسی تألیف و ترجمه شده است؛ از جمله کتاب‌های تألیفی می‌توان به کتاب *رابطه علم و دین در غرب* (رضایی اصفهانی ۱۳۷۹)، *تأملاتی در باب رابطه علم و دین* (علی‌زمانی ۱۳۸۰)، *علم و دین* (زینلی ۱۳۸۹)، *رابطه علم و دین* (مصباح یزدی ۱۳۹۲)، و *دین و علوم طبیعی* (رضایی مهر ۱۳۹۲) اشاره کرد. در مورد کتاب‌های ترجمه‌شده نیز شاید اولین و مهم‌ترین کتابی که در این زمینه ترجمه و چاپ شده و مرجع پژوهش‌های بعدی قرار گرفته است کتاب *علم و دین*، نوشته ایان باربور، است که بهاء‌الدین خرمشاهی آن را ترجمه کرده و نشر دانشگاهی آن را در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسانیده است؛ این کتاب احتمالاً اولین کتاب ترجمه‌شده به زبان فارسی است که به صورت مستقل و مفصل به مسئله رابطه علم و دین پرداخته است. کتاب دیگری که به این مسئله پرداخته و به فارسی ترجمه شده است کتاب *دین‌پژوهی*، نوشته میرچا الیاده، است که بهاء‌الدین خرمشاهی آن را ترجمه کرده و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۷۲ آن را منتشر کرده است. نویسنده کتاب در پایان دفتر دوم این کتاب بحث کوتاهی را به مسئله علم و دین اختصاص داده است (بنگرید به الیاده ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۸۵-۴۲۰)؛ سومین کتاب ترجمه‌شده به زبان فارسی، که یک فصل آن را به سازگاری یا ناسازگاری علم و دین اختصاص داده است، کتاب *عقل و اعتقاد دینی*، نوشته مایکل پترسون و دیگران، است که احمد نراقی و ابراهیم سلطانی آن را ترجمه کرده‌اند و انتشارات طرح نو در سال ۱۳۷۵ آن را منتشر کرده است (بنگرید به: پترسون و دیگران ۱۳۷۵: ۳۵۸-۳۹۷). کتاب دیگری با عنوان *علم و دین: از تعارض تا گفت‌وگو*، نوشته جان اف. هات، است که بتول نجفی در سال ۱۳۸۲ آن را به فارسی برگردانده است.

به نظر می‌رسد کتاب *ربط علم طبیعی به الهیات* نوشته ویلیام اچ. آستین، بعد از کتاب *علم و دین* ایان باربور و کتاب *علم و دین: از تعارض تا گفت‌وگو*، سومین کتاب مستقل و مفصل در این زمینه است که علی‌حقی به زبان فارسی ترجمه و نشر علم آن را منتشر کرده است. نویسنده این کتاب از جمله کسانی است که طرفدار وجود رابطه میان علم و دین/

الهیات یا به تعبیر خود وی «ربط علم طبیعی به الهیات» است؛ وی دیدگاه‌های متعدد قائلان به بی‌ربطی علم و الهیات را مورد نقد و بررسی قرار داده و پس از نقض و رد آن‌ها مدعی وجود روابط متعددی میان علم طبیعی و الهیات شده است.

نگارنده با هدف ارزیابی و نقد محتوای کتاب مزبور به سراغ ترجمه فارسی آن رفته و به شیوه تحلیلی - انتقادی به مطالعه آن پرداخته، اما ترجمه کتاب را آن‌قدر مبهم، نارسا، و پرغلط یافته که به جای نقد محتوای کتاب به نقد صوری و محتوایی ترجمه کتاب پرداخته است.

مقاله حاضر، پس از معرفی کلی اصل کتاب، ابتدا به نقد و بررسی ابعاد شکلی و صوری و سپس به نقد و بررسی محتوایی ترجمه کتاب پرداخته است.

۲. معرفی کلی اصل کتاب

نام انگلیسی کتاب *The Relevance of Natural Science to Theology* بوده که ویلیام اچ. آستین (William Harvey Austin) آن را در سال ۱۹۷۵ در تگزاس نوشته و انتشارات مک‌میلان (MacMillan) لندن در سال ۱۹۷۶ آن را منتشر کرده است. کتاب مزبور را علی حقی با عنوان *ربط علم طبیعی به الهیات* ترجمه کرده و نشر علم در سال ۱۳۹۴ در ۱۹۳ صفحه و به تیراژ پانصد نسخه آن را به چاپ رسانیده است.

خاستگاه اولیه کتاب درخواستی بوده که در سال‌های اولیه قرن بیستم به مسئولان آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا داده شده است، مبنی بر این که در برنامه آموزشی آن ایالت همانند ساعاتی که به آموزش «نظریه تکامل»، یکی از نظریات مطرح در حوزه علم طبیعی، اختصاص داده شده است، برای آموزش «نظریه آفرینش»، به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریات در حوزه دین، نیز همان تعداد ساعات در نظر گرفته شود. تصمیمی که آکادمی ملی علوم آن ایالت، به دلیل تفکیک قائل شدن بین روش و قلمرو علم و دین، بر رد این درخواست گرفته نگارنده کتاب را بر آن داشته است تا با نگاشتن این کتاب به بررسی این مسئله بپردازد که آیا ارتباط و پیوندی میان علم طبیعی و الهیات وجود دارد یا آن‌گونه که آکادمی ملی علوم ایالت کالیفرنیا گفته است، این‌ها دو قلمرو جمع‌ناپذیر تفکر بشری هستند. بنابراین، شاید بتوان گفت که خاستگاه اصلی این کتاب رد نظر آکادمی ملی علوم ایالت کالیفرنیا مبنی بر عدم وجود ارتباط میان علم و الهیات بوده است (Austin 1976: 1).

پرواضح است که چنین خاستگاهی عمدتاً در جوامعی وجود دارد که علم‌گرا و علم‌زده باشد یا دینی داشته باشد که به علم و دنیا توجهی نداشته باشد و شاید به همین علت است که کتاب مزبور نیز در فرهنگ مسیحی نوشته شده و هدف آن بررسی نسبت بین علم طبیعی و سنت‌های عمده دینی در مغرب زمین بوده است و رویکرد خاصی درقبال ادیان شرقی و از جمله فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ندارد، هرچند مباحث کتاب می‌تواند کاربردپذیر در ادیان شرقی باشد و با آن‌ها و به‌ویژه با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی سازگار یا ناسازگار باشد، همان‌گونه که خود مؤلف نیز به این نکته تصریح کرده است (ibid.: 3).

اصل کتاب شش فصل دارد: مؤلف در فصل اول یا مقدمه (introduction) مسئله را به‌خوبی طرح کرده و چشم‌انداز روشنی از کتاب را در آن آورده است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را چکیده مفصلی از کتاب به حساب آورد (ibid.: 1-12). در فصل دوم، نظریه ابزارانگاری در علم (instrumentalism in science) را یکی از دیدگاه‌های طرف‌دار بی‌ربطی علم و الهیات مطرح کرده و آن را مورد نقد قرار داده و آن‌گاه با استناد به روایت دوئم از ابزارانگاری نشان داده است که علم به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به الهیات ربط دارد (ibid.: 12-30). در فصل سوم، نظریه ابزارانگاری در دین (instrumentalism in religion) را یکی دیگر از دیدگاه‌های طرف‌دار بی‌ربطی علم و الهیات مطرح کرده و مورد نقد قرار داده و سپس بر ربط علم و الهیات احتجاج کرده است (ibid.: 31-54)؛ در فصل چهارم، با عنوان استدلال‌های دوساحتی (Two-Realms Arguments)، نظریه قائلان به بی‌ربطی علم و الهیات از طریق تفکیک حوزه‌ها و قلمروهای علم و الهیات را مورد بررسی و نقد قرار داده و نشان داده است که علم دست‌کم ربط شبه‌مستقیم به الهیات دارد (ibid.: 55-80). در فصل پنجم، با عنوان استدلال‌های زبان‌شناختی (linguistic arguments) یکی دیگر از نظریات قائلان به بی‌ربطی علم و الهیات را، که از طریق تفکیک میان زبان دینی و زبان علمی به‌سراغ مسئله رفته‌اند، مورد واکاوی قرار داده و احتجاج‌های زبان‌شناختی در دفاع از بی‌ربطی علم به الهیات را ناکافی و نیازمند ایضاح فراوان دانسته است (ibid.: 81-113). در فصل ششم، که فصل پایانی کتاب است، و مترجم آن را با عنوان مشیت الهی (providence) نام‌گذاری کرده است، ضمن جمع‌بندی فصول گذشته و بیان وجوه متعددی از ربط علم به الهیات، براساس دیدگاه‌های مطرح‌شده در آن فصول، پای مشیت الهی را به‌میان آورده و با نقد مفهوم لیبرال مشیت الهی و طرح تفسیری نو از آن در الهیات معاصر مسیحی، تلاش کرده است تا در قالب مشیت الهی وجوهی دیگر از ربط علم طبیعی به الهیات را مطرح کند،

ولی در پایان، ضمن اشاره به پیچیدگی و ابهام مسئله، بحث و تحقیق بیش‌تری پیرامون آن را پیش‌نهاد داده است (ibid.: 114-123).

نویسنده کتاب تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خوبی ارائه داده و نقدهای مفصلی به آرا و نظریات دیگران وارد کرده و در موارد متعددی آن‌ها را موردنقض و تردید قرار داده و در برخی موارد نیز رد کرده است (برای نمونه، بنگرید به فصل چهارم، نقد نظریه مکملیت مک‌کی: 79-80؛ فصل پنجم، نقد نظریه بازی‌های زبانی: 84-85). البته علی‌رغم تلاش مؤلف برای پرهیز از پیش‌داوری و باوجود تصریح وی بر این امر (ibid.: 4)، در برخی موارد، پیش‌فرض‌هایی اتخاذ کرده که به طور صریح در کتاب آمده است (بنگرید به ibid.: 2, 5, 29).

کتاب موردنظر از جمله کتاب‌های بنیادی است و در صورتی‌که ویراستاری ادبی و علمی دقیقی بر روی آن انجام پذیرد، منبع خوبی برای انجام پژوهش‌های بنیادی و کتاب خوبی در زمینه بیان «رابطه علم و دین» است که یکی از موضوعات مهم در حوزه دین‌پژوهی به‌ویژه در حوزه فلسفه دین و کلام جدید است. البته هرچند کتاب ربط علم طبیعی به الهیات در نوع خود کم‌نظیر است و باوجود آن‌که به کتاب علم و دین نوشته ایان باربور تقدم زمانی داشته است و می‌توانست دست‌کم هم‌عرض آن کتاب باشد، ظاهراً دیر به‌دست ایرانیان رسیده یا آن‌که دیر به ترجمه آن اهتمام شده است و اکنون که علی‌حقی زحمت ترجمه آن را کشیده است، به دلیل اشتغال بر اغلاط فراوان و عدم دقت کافی در ویرایش و جمله‌بندی‌ها و ابهام زیاد معنای جملات آن، که احتمالاً ناشی از عجله مترجم یا ناشر بوده است، بعید است بتواند جایگاه خود را به‌زودی پیدا کند، مگر این‌که به‌دقت موردبازنگری و تجدیدنظر قرار گیرد که در این صورت امید است بتواند به‌سرعت جایگاه خود را بازباید و از کتاب‌های دین‌پژوهی، نوشته میرچا الیاده، و عقل و اعتقاد دینی، نوشته مایکل پترسون، و دیگران که در عین حال که به‌اختصار به مسئله علم و دین پرداخته‌اند جزو کتاب‌های مرجع در این زمینه قرار گرفته‌اند، جلوتر رود و حداقل هم‌ردیف کتاب علم و دین ایان باربور و جزو کتاب‌های مرجع در این زمینه قرار گیرد.

۳. نقد و تحلیل ترجمه کتاب

ترجمه کتاب هم از حیث شکلی و ظاهری و هم از حیث محتوایی و کیفیت ترجمه اشکالات فراوانی دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱,۳ نقد و بررسی ابعاد شکلی ترجمه کتاب

۱,۱,۳ مؤلفه‌های جامعیت صوری

از مؤلفه‌های چندگانه جامعیت صوری تنها پیش‌گفتار (در قالب یادداشت مترجم) آمده است که آن هم بسیار کوتاه، و همانند سایر بخش‌های ترجمه کتاب بسیار مبهم، نارسا، و پرغلط است. علاوه بر همه اشتباهات صوری و محتوایی کتاب، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، جالب این‌جاست که علی‌رغم تأکید نویسنده در مواضع متعدد کتاب و از جمله در مقدمه، مبنی بر عطف توجه وی به «ربط علم طبیعی به الهیات» و نه بالعکس، «من صراحتاً تنها به مسئله پیوند علم به الهیات توجه خواهم داشت، نه ربط الهیات به علم» (Austin 1976: 2-3)، مترجم بحث محوری نویسنده را «ربط الهیات به علم طبیعی» دانسته است؛ «بحث محوری نویسنده یک نکته بیش نیست؛ ربط الهیات به علم طبیعی» (آستین ۱۳۹۴: ۵، یادداشت مترجم) و این نشان‌دهنده عدم دقت کافی در برگردان کتاب است. البته انتظار می‌رفت که مترجم در پیش‌گفتار (یادداشت مترجم) به نام اصلی کتاب به زبان انگلیسی و انتشارات آن اشاره و مختصری در مورد نویسنده کتاب بیان می‌کرد که متأسفانه این کار را نکرده است.

۲,۱,۳ کیفیت فنی و ظاهری

- طرح جلد کتاب خوب و درخور تحسین است؛ چراکه نیمه پایین جلد کتاب به رنگ قهوه‌ای و خاکی، که نشان‌دهنده علم طبیعی و دنیاست، و نیمه بالای جلد کتاب به رنگ سبز، که نشان‌دهنده الهیات و معنویت است، طراحی شده است و خطوطی نیز ربط این دو را نشان می‌دهد.
- از جهت حروف‌نگاری، نوع و شکل قلم خوب است، اما اندازه قلم کوچک است و چشمان خواننده را می‌آزارد.
- از جهت صفحه‌آرایی، فاصله حاشیه‌ها خوب است، اما عناوین فصل‌ها به سبب توخالی بودن کم‌رنگ است؛ اگر پررنگ‌تر بود یا از قلم دیگری استفاده می‌شد، زیباتر می‌شد.
- کیفیت چاپ از حیث مخلوط‌نشدن خطوط و سطح یک‌نواختی رنگ خوب است، اما از حیث رنگ چاپ نسبتاً کم‌رنگ است؛ اگر پررنگ‌تر بود، برای مطالعه بهتر بود.
- صحافی کتاب خوب است و مشکلی از حیث عدم چسبندگی اوراق به جلد یا پایین‌بودن کیفیت چسب و جداشدن اوراق ندارد.

- قطع کتاب نیز برای این حجم خوب و استاندارد است.
- از جهت نمونه‌خوانی و اغلاط چاپی بسیار ضعیف است و اغلاط تایپی در سراسر کتاب فراوان است؛ از فهرست و یادداشت مترجم گرفته تا درآمد نویسنده و همین‌طور متن کتاب و حتی حواشی. هرچند به سبب تعداد زیاد اغلاط شاید نیازی به ذکر آن‌ها نباشد و خواننده با نگاه سطحی به جای‌جای کتاب به اغلاط متعددی برخورد می‌کند، چند مورد فاحش آن که نامفهوم شده است به‌عنوان مشت نمونه خروار ذکر می‌شود؛ دواتم (همان: ۳۵، سطر ۱۳)؛ یادامه پذیری (همان: ۴۸، سطر ۱)؛ بهره‌برادری (همان: ۱۱۹، سطر ۹)؛ اخلامی (همان: ۱۴۳، سطر ۱۹)؛ یوه‌ای (همان: ۱۴۸، سطر ۲)؛ معقا تر (همان: ۱۵۱، سطر ۱۱)؛ کیون (همان: ۱۶۳، سطر ۶).

۳,۱,۳ میزان رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی

کتاب از حیث رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش نیز بسیار ضعیف است و نیازمند بازنگری اساسی و کامل است؛ چون تعداد این موارد آن‌قدر زیاد است که موجب ابهام معنای جملات شده است و ذهن خواننده را از درک و فهم مطالب باز می‌دارد؛ برخی از این موارد است:

- الف) استفاده نکردن از ویرگول، بنگرید به همان: ۵، ۱۵، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۴۴، و...؛
- ب) استفاده نکردن از نقطه‌ویرگول، بنگرید به همان: ۸، ۲۶، و...؛
- ج) استفاده نکردن از گیومه، بنگرید به همان: ۸، ۳۲، و...؛
- د) استفاده نابه‌جا از گیومه، بنگرید به همان: ۸؛
- ه) تکرار حروف و کلمات، بنگرید به همان: ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۱، ۴۷، ۹۵، ۱۲۵، ۱۴۲، و...؛
- و) افتادگی برخی حروف و کلمات، بنگرید به همان: ۴، ۷، ۲۴، ۳۲، ۱۲۳، ۱۲۷، و...؛
- ز) به هم چسبیدگی حروف یا کلمات، بنگرید به همان: ۱۳، ۲۶، ۳۵، ۷۰، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۴۳، و...؛
- ح) فاصله زیاد حروف یا کلمات، بنگرید به همان: ۱۸، ۲۵، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۲۵، و...؛
- ط) رعایت نکردن نیم‌فاصله: تعداد آن به قدری زیاد است که به ذکر نمونه نیازی نیست؛ با نگاه ظاهری به هر صفحه چندین مورد به چشم می‌آید. برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۵، ۱۶، و....

۴,۱,۳ میزان روان و رسابودن متن

با وجود آن‌که متن اصلی کتاب به اذعان خود مترجم خالی از ابهام و غموض بوده است - «متن کتاب با آن‌که عاری از ابهام و بدون تعقید است...» (همان: ۵) - ترجمه کتاب بسیار مبهم و نارساست و از این حیث نیاز به بازبینی جدی و اساسی دارد. در ذیل، به نمونه‌هایی از ابهامات و نارسایی‌ها اشاره شده است:

الف) در موارد متعددی، کلمات و عبارات ترجمه‌شده در جمله‌بندی فارسی در جای مناسب قرار نگرفته است و به همین سبب جمله نامفهوم یا دیرفهم شده است. برای نمونه «... می‌تواند سازگار حداکثر با...» (همان: ۱۱۴)؛ «... علمی با فقط...» (همان: ۱۱۵)؛ و...؛

ب) در موارد متعددی از کلمات و عبارات ثقیل یا نامأنوس استفاده شده و موجب شده است که خواننده برای درک مطلب به فرهنگ لغت فارسی، انگلیسی، و عربی نیاز داشته باشد. برای نمونه، بنگرید به همان: ۸، (مقصود)؛ همان: ۱۲، (نیوش‌اند)؛ همان: ۱۳، ۱۱۱، (مانحن فیه)؛ همان: ۳۱، (هستومندهای)؛ همان: ۳۴، (متعاطی)؛ همان: ۴۱، (ستتاً)؛ همان: ۱۱۱، (مع‌هذا)؛ همان: ۱۲۴، (التباس)؛ همان: ۱۵۲، (هیچ چنان)؛ همان: ۱۵۷، (درخور مربوط)؛ همان: ۱۶۱، (آکسیوماتیز)؛ و...؛

ج) در برخی جملات پرسشی، از دو واژه پرسشی استفاده و معمولاً عبارت «آیا» را به صورت زائد استفاده کرده است (بنگرید به همان: ۸ و غیره)؛

د) در موارد متعددی، کلماتی به صورت جمع به کار رفته و سبب ابهام جمله شده است، در صورتی که بایستی مفرد به کار می‌رفت. برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۲، (یک استدلال‌هایی)؛ همان: ۲۳، (هرگونه فرضیه‌هایی)؛ همان: ۴۱، (هیچ تزه‌ای)؛ همان: ۶۲، (هر غموض و صعوبت‌هایی)؛ همان: ۱۷۸، (هرگونه حکم‌هایی)؛ و....

۲,۳ نقد و بررسی ابعاد محتوایی ترجمه کتاب

ترجمه کتاب علاوه بر اشکالات متعدد شکلی و ظاهری از قبیل اغلاط تایپی، عدم رعایت اصول نگارشی و ویرایشی، و عدم روانی و رسایی متن فارسی از حیث محتوایی و کیفیت برگردان واژگان و جملات به فارسی نیز دارای اشکالات فراوانی است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱,۲,۳ بی‌دقتی در ترجمه واژگان تخصصی و عمومی

معادل‌سازی واژگان تخصصی به‌خوبی صورت نگرفته است. برای نمونه، در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

نمونه یک: مترجم در مواضع متعدد معمولاً میان واژه «doctrine» (Austin 1976: 4) و واژه «belief» (ibid.) فرق نگذاشته و هر دو را به «اعتقاد» و «باور» ترجمه کرده (آستین ۱۳۹۴: ۱۰)، درحالی‌که واژه «doctrine» معمولاً به‌معنای «آموزه» و «تعالیم» به‌کار می‌رود (آریان‌پور ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۶۱؛ بابایی ۱۳۷۴: ۱۰۴) که عام‌تر از اعتقاد و باور است و شامل همه مسائل دینی و الهیاتی می‌شود؛

نمونه دو: مترجم واژه معروف «Non-Religious» (ibid.) به‌معنای رایج «غیردینی/ غیرمذهبی» را به‌صورت نامأنوس «نامؤمنانه» (آستین ۱۳۹۴: ۱۰) ترجمه کرده است؛

نمونه سه: مترجم عبارت «supernatural causes» (Austin 1976: 4) را، که به‌معنای رایج «علل فوق طبیعی» است (آریان‌پور ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۲۳۸)، «علل ماورای علمی» ترجمه کرده است (آستین ۱۳۹۴: ۷-۸) که مأنوس نیست و بلکه نادرست است.

علاوه‌بر بی‌دقتی در معادل‌سازی واژگان تخصصی، در موارد متعددی، معادل‌سازی واژگان عمومی نیز به‌دقت انجام نگرفته است:

نمونه یک: مترجم واژه «decade» (Austin 1976: 1) را «دوران (قرن بیستم)» ترجمه کرده است (آستین ۱۳۹۴: ۷)، در صورتی‌که ترجمه معهود آن «دهه» است (آریان‌پور ۱۳۷۸: ج ۱، ۵۷۵) که با ادامه متن نیز هم‌خوانی بیش‌تری دارد؛

نمونه دو: مترجم واژه «some ways» (Austin 1976: 2) را «شیوه‌ای» ترجمه کرده (آستین ۱۳۹۴: ۸)، در صورتی‌که معنای دقیق آن «به‌وجهی، به‌طریقی، به‌نحوی از انحاء» است (آریان‌پور ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۳۰). هم‌چنین «not others» (ibid.) را «همه شیوه‌های دیگر» معنا کرده است (همان) که دقیق نیست، بلکه معنای دقیق آن (نه سایر وجوه/ راه‌ها) است.

۲,۲,۳ ناهم‌خوانی در ترجمه (معادل‌های گوناگون برای یک واژه)

نمونه یک: مترجم واژه «theology» (Austin 1976: 4) را در برخی مواضع «دین» ترجمه کرده (آستین ۱۳۹۴: ۹)، درحالی‌که معنای رایج و بلکه دقیق آن «الهیات» است (آریان‌پور ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۳۰۷؛ بابایی ۱۳۷۴: ۴۰۸) و خود مترجم نیز در بیش‌تر موارد همین‌گونه ترجمه کرده است (همان: ۸، ۱۰، و...). این مورد نوعی ناهم‌خوانی در ترجمه محسوب می‌شود.

۳,۲,۳ ثقیل بودن ترجمه برخی کلمات و عبارات

نمونه یک: مترجم عبارت «be limited» (Austin 1976: 2) به معنای فارسی روان «محدود بودن» (آریان‌پور ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۱۸) را به صورت نامفهوم «مقصور شوند» (آستین ۱۳۹۴: ۸) ترجمه کرده است؛

نمونه دو: مترجم واژه «to consider» (Austin 1976: 2) را، که به معنای «بررسی کردن، ملاحظه کردن، و...» (آریان‌پور ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۷۶) است، به صورت نامفهوم «امعان نظر کنم» ترجمه کرده است (آستین ۱۳۹۴: ۸). هم‌چنین در ادامه واژه «concerning» (Austin 1976: 2) به معنای «در مورد، در خصوص، درباره» را به صورت مبهم «در امعان نظر کردن در باب» ترجمه کرده است (آستین ۱۳۹۴: ۸).

۴,۲,۳ مبهم و نامفهوم بودن ترجمه بسیاری از جملات

برخی جملات آن قدر نامفهوم ترجمه شده است که خواننده متوجه مقاصد کتاب نمی‌شود. در زیر چند نمونه از ترجمه‌های مترجم به همراه ترجمه پیشنهادی آمده است که مقایسه آن‌ها می‌تواند مؤید این مطلب باشد:

نمونه یک:

Painly the Metaphor of "Dimensions" needs to be Explicated if Two-Realms Arguments based on it are to Succeed (Austin 1976: 10).

ترجمه مترجم: «پیدا است که استعاره ابعاد را اگر قرار باشد که استدلال‌های دوساحتی که مبتنی بر آن هستند بخواهند توفیق پیدا کنند نیاز به ابضاح دارد» (آستین ۱۳۹۴: ۲۰).

ترجمه پیشنهادی: به‌طور واضح استعاره «ابعاد» به توضیح نیاز دارد، اگر استدلال‌های دوساحتی مبتنی بر آن به موفقیت برسند.

نمونه دو:

Crucial to MacKay's Definition is the Notion of the Standpoint from which a Statement is Made (Austin 1976: 10).

ترجمه مترجم: «مفهوم دیدگاه در تعریف مک‌کی سرنوشت‌ساز است که از آن این جمله ساخته می‌شود» (آستین ۱۳۹۴: ۲۱).

ترجمه پیشنهادی: برای تعریف مک‌کی (MacKay)، تصور دیدگاهی که براساس آن جمله ساخته می‌شود بسیار مهم است.

نمونه سه:

Hence any Hypotheses which Sound as if they might be Descriptions of Realities behind the Appearances are to be Taken Instrumentalistically, and Scientific Theories cannot Possibly Conflict with Metaphysical or Theological Doctrines, which are Meant to Describe Underlying Realities (Austin 1976: 16).

ترجمه مترجم: «از این روی، هر فرضیه معقولی چنان که گویی توصیف‌هایی از واقعیاتی تواند باشد که در پس پشت پدیدارها ابزارانگاران انگاشته می‌شوند و تئوری‌های ممکن نیست با متافیزیک و با معتقدات الهیاتی در تعارض افتند؛ چراکه مراد و مقصود از آن‌ها توصیف‌نمودن واقعیت‌های زیربنایی است» (آستین ۱۳۹۴: ۲۸).

ترجمه پیش‌نهادی: از این روی، هر فرضیه‌ای که به نظر برسد ممکن است توصیفی از واقعیت‌های پشت پرده باشد که به صورت ابزار انگارانه تلقی شده است و نظریه‌های علمی احتمالاً نمی‌توانند با آموزه‌های متافیزیکی یا الهیاتی که توصیف‌گر واقعیت‌های اساسی هستند در تضاد باشند.

۵,۲,۳ ناقص بودن ترجمه بسیاری از جملات

مترجم در برخی جملات ترجمه را ناقص رها کرده و خواننده را در انتظار ادامه جمله گذاشته است:

نمونه یک:

In Chapter 5 we Consider two Closely Related Types of Argument which can Illuminatingly be Regarded as Specifying Senses in which Scientific and Religious Statements are Made from Mutually Exclusive Standpoints (Austin, 1976, p 11).

ترجمه مترجم: «در فصل ۵ درباب دو سنخ از استدلال که ربط وثیقی به هم دارند و می‌توانند به وجه روشن‌گرانه تشخیص‌بخش به صحنه‌هایی به حساب آیند که در آن صحنه‌ها عبارت‌های علمی و دینی ساخته شده برپایه نظرگاه‌های مانع‌الجمع مورد‌امعان‌نظر قرار خواهند گرفت» (آستین ۱۳۹۴: ۲۱).

ایرادات:

- ناقص بودن جمله و منتظر گذاشتن خواننده: «در فصل ۵ درباب... مورد‌امعان‌نظر قرار خواهند گرفت»؛

- مبهم و ثقیل بودن جمله به سبب حذف فعل جمله آخر و انتقال فعل جمله اول به انتهای جمله آخر؛

- ترجمه نادرست واژه «senses» که به معنای «حواس، مفاهیم، معانی، مضامین، و ...» است (آریان‌پور ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۰۳۶) به «صحنه‌هایی» که ترجمه واژه «scenes» است.

ترجمه پیش‌نهادی: ما در فصل ۵ دو نوع استدلال کاملاً بهم‌وابسته را مطرح می‌کنیم که به‌طور روشن می‌تواند به‌عنوان مشخص‌کننده مضمونی تلقی شود که در آن اظهارات علمی و مذهبی از دیدگاه‌های مانع‌الجمع ساخته شده‌اند.

۶,۲,۳ دقیق نبودن ترجمه بسیاری از جملات

مترجم در موارد فراوانی در ترجمه جملات و به‌ویژه عبارت‌های طولانی و چندوجهی و یافتن فاعل و مفعول یا موصوف و صفت و... دقت لازم را به‌کار نگرفته، به‌گونه‌ای که موجب نامفهوم و حتی نادرست‌شدن ترجمه شده است. این موارد آن‌قدر زیاد است که کم‌تر جمله‌ای را در سراسر ترجمه کتاب می‌توان یافت که دقیق و روان ترجمه شده باشد. در زیر به چند مورد به‌عنوان نمونه اشاره می‌شود:

نمونه یک:

Editorials and a Lively Correspondence Ensued in Science and other Journals (Austin 1976: 1).

ترجمه مترجم: «مقالات و نوشته‌های پرشوری درخصوص علم و در مجلات دیگر نگاشته شد» (آستین ۱۳۹۴: ۷).

ایرادات: مترجم واژه «ensued» را که به معنای «متعاقب، پی‌آمدن، و...» است (آریان‌پور ۱۳۷۸: ج ۱، ۷۴۶) در ترجمه از قلم انداخته و واژه «in Science» را که عطف به «other journals» و به معنای «در نشریات علمی» بوده «درخصوص علم» ترجمه کرده و متوجه عطف‌بودن آن نشده است.

ترجمه پیش‌نهادی: به‌دنبال آن، سرمقاله‌ها و مکاتبات زنده‌ای در مجلات علمی و سایر نشریات منتشر شد.

نمونه دو:

We Understand that the California State Board of Education is Considering a Requirement that Textbooks for use in the Public-Schools Give Parallel Treatment to the Theory of Evolution and to Belief in Special Creation,... (Austin 1976: 1).

ترجمه مترجم: «استنباط ما این است که این درخواست برآورده شود که در برنامه آموزشی ایالت کالیفرنیا در متون درسی زیست‌شناسی در مدارس دولتی ساعات برابر به نظریه تکامل و باور به آفرینش‌گرایی تخصیص داده شود...» (آستین ۱۳۹۴: ۷).

ایرادات:

- مترجم عبارت «the California State Board of Education» را «برنامه آموزشی ایالت کالیفرنیا» ترجمه کرده، در صورتی که فاعل جمله و به معنای «هیئت‌مدیره آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا» است.

- مترجم عبارت حال استمراری «is considering a requirement» را به معنای «در حال بررسی یک تقاضاست» به صورت مجهول «این درخواست برآورده شود» ترجمه کرده است، در صورتی که فاعل آن «the California State Board of Education» بوده و در جمله موجود است. همین‌طور فعل «give» را به صورت مجهول «تخصیص داده شود» ترجمه کرده در صورتی که در این‌جا معلوم و متعدی بوده و مفعول گرفته است.

- مترجم براساس مطالب قبلی عبارت «parallel treatment» را که در این‌جا به معنای «برخورد یک‌سان» است «ساعاتی برابر» ترجمه کرده و همین‌طور عبارت «belief in special creation» را که ترجمه دقیق آن در این‌جا «باور به آفرینش ویژه [الهی]» است «باور به آفرینش‌گرایی» ترجمه کرده است.

ترجمه پیش‌نهادی: ما می‌دانیم که هیئت‌مدیره آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا در حال بررسی تقاضایی است که کتاب‌های درسی [زیست‌شناسی] مورد استفاده در مدارس دولتی [آن ایالت] با نظریه تکامل و [نظریه] باور به آفرینش ویژه برخورد یکسانی داشته باشند....

نمونه چهار:

Science can, more Plausibly than Religion, be Regarded as a Self-Contained Enterprise with Sharply Delimited Scope and Purpose (Austin 1976: 3).

ترجمه مترجم: «علم می‌تواند پذیرفتنی‌تر از دین باشد، و مشغله‌ای خودکفا یا مستقل انگاشته شود که حدود و ثغور و غایت آن به‌دقت مرزبندی شده است» (آستین ۱۳۹۴: ۹).

ایرادات:

- مترجم صفت تفضیلی «more plausibly than religion» را که یک عبارت معترضه است به قبل از آن ارتباط داده و به صورت یک جمله مستقل ترجمه کرده است و باعث شده است فعل «can» متعلق خود را از دست بدهد، در حالی که بایستی به این صورت خوانده و ترجمه شود: «... science can ... be regarded as ...».

- مترجم هم‌چنین عبارت «with sharply delimited scope and purpose» را که صفت توضیحی برای «Self-Contained Enterprise» است به صورت یک جمله مستقل در نظر گرفته و در نتیجه ترکیب وصفی ساده «sharply delimited» را به معنای «به شدت محدود» که صفت برای «scope and purpose» بوده به صورت «به دقت مرزبندی شده است» ترجمه کرده و بر ابهام جمله افزوده است.

ترجمه پیش‌نهادی: علم می‌تواند قابل قبول‌تر از دین، به عنوان یک نهاد مستقل با دامنه و هدف به شدت محدود، در نظر گرفته شود.

نمونه پنج:

To what Extent the Various Arguments to be Considered Succeed in Showing that there is no need for Theologians to do so (Austin 1976: 4).

ترجمه مترجم: «تا چه حد استدلال‌های گوناگون موفق انگاشته شدند که اثبات می‌نمایند هیچ نیازی به الهی‌دانان نیست که بر این سیرت و سان عمل کنند» (آستین ۱۳۹۴: ۱۰).

ایرادات:

علاوه بر روان‌نبودن ترجمه و عدم رعایت نکات نگارشی و ویرایشی، مترجم عبارت مرکب «to be considered» را که صفت برای «various arguments» و به معنای «مطرح شده» بوده با فعل بعد از خود (succeed) ترکیب کرده و به صورت «موفق انگاشته شدند» ترجمه کرده است. هم‌چنین، واژه «in showing» به معنی «در نشان دادن» را با (prove) به معنای «اثبات کردن»، که بار معنایی متفاوتی با آن دارد، مترادف انگاشته و به صورت «اثبات می‌نمایند» ترجمه کرده است. از همه مهم‌تر این‌که عبارت «there is no need for theologians» به معنای «برای الهی‌دانان هیچ نیازی نیست که ...» را به صورت «هیچ نیازی به الهی‌دانان نیست که ...» ترجمه کرده که خالی از دقت است و موجب شده است تا واژه «need» متعلق خود را یعنی «to do so» از دست بدهد. در اصل، جمله باید این‌گونه خوانده و ترجمه شود: «there is no need ... to do so».

ترجمه پیش‌نهادی: استدلال‌های گوناگون مطرح شده، در نشان دادن این امر که «نیازی نیست الهی‌دانان آن‌گونه عمل کنند»، تا چه حد موفق‌اند؟

نمونه شش:

there are Obvious Problems about Sub-Communities, People on the Fringes, the Role of Organised Church Bodies, etc. (Austin 1976: 4).

ترجمه مترجم: «در باب جوامع فرعی به‌وضوح چند مسئله وجود دارد، مردمانی در اقلیت و حاشیه، نقش جوامع کلیسایی و غیره» (آستین ۱۳۹۴: ۱۱).

ایرادات:

- مترجم واژه «obvious» را که صفت «problems» است به‌صورت قید «به‌وضوح» ترجمه کرده است، در حالی که آن دو روی هم به‌معنای «مشکلات آشکاری» است. ضمن این که معلوم نیست مترجم برگردان «چند» را که پیش از «مسئله» آمده از کجا آورده است و احتمالاً مترجم واژه «obvious» را با واژه «various» اشتباه گرفته است. البته اگر این‌گونه باشد، سؤال می‌شود که برگردان «به‌وضوح» از کجا آمده است؟

- مترجم عبارت «there are obvious problems about» را متعلق به «Sub-Communities» دانسته و موارد بعد از آن را بدل از «problems» گرفته و موجب شده است تا معنای جمله به‌کلی غلط شود، در حالی که عبارت مزبور متعلق به کل جمله است.

ترجمه پیش‌نهادی: مشکلات آشکاری در مورد جوامع کوچک، مردم در حاشیه، نقش هیئت‌های سازمان‌یافته کلیسا، و غیره وجود دارد؛

۷,۲,۳ نادرست بودن ترجمه بسیاری از جملات

دقت در ترجمه جمله‌های زیر نشان‌دهنده این است که مترجم معنای این جملات را درست متوجه نشده و از پیش خود کلماتی را به آن‌ها اضافه کرده و جمله‌ای ساخته است: نمونه یک:

There was Considerable Fear among many Scientists (and Hope among some others) that they would Carry the Day (Austin 1976: 1).

ترجمه مترجم: «هراس خیلی زیادی در بین دانشمندان برانگیخت (که امیدوار بودند این رعب‌افکنی در بین دانشمندانی از حوزه‌های دیگر) که در آن روزگار به علم اشتغال داشتند نیز تأثیرگذار باشد» (آستین ۱۳۹۴: ۷).

ایرادات:

- مترجم عبارت «there was» را به‌غلط «برانگیخت» ترجمه کرده، در صورتی که ترجمه درست آن «وجود داشت» است که با محتوای جمله نیز سازگارتر است و اساساً «there was» به‌معنای «برانگیختن» به‌کار نمی‌رود.

- مترجم از یک طرف واژه «considerable fear» را که به معنای «ترس زیاد» است «هراس خیلی زیاد» ترجمه کرده و از طرف دیگر واژه «many scientists» را که به معنای «بسیاری از دانشمندان» است «دانشمندان» ترجمه کرده است که هیچ‌یک دقیق نیست. گویا معنای واژه «many» در عبارت بعدی را به «considerable fear» اضافه کرده و «هراس خیلی زیاد» معنا کرده است.
 - برای واژه‌های «رعب‌افکنی»، «حوزه‌های دیگر»، «اشتغال به علم»، و «تأثیرگذار بودن» در برگردان فارسی معادلی در متن اصلی وجود ندارد و مترجم از پیش خود ساخته است تا جمله را کامل کند.
 - جملل درون پرانتز به کلی نادرست ترجمه شده و اصلاً آن‌چه در ترجمه آمده است ترجمه عبارت داخل پرانتز نیست.
 - از همه مهم‌تر این‌که مترجم اصطلاح «carry the day» به معنای «پیروز شدن، غلبه کردن، به موفقیت دست یافتن، و...» (مک‌کایگ ۱۳۷۰: ۶۹) را بدون توجه به اصطلاح بودن آن در قالب یک جمله معمولی و کاملاً نادرست به صورت «در آن روزگار به علم اشتغال داشتند» ترجمه کرده و معنای جمله را به کلی دگرگون کرده است.
- ترجمه پیش‌نهادی:** بسیاری از دانشمندان بیم زیاد (و برخی دیگر امید) داشتند که به موفقیت نائل شوند.

نمونه دو:

We, the Members of the National Academy of Sciences,... (Austin 1976: 2).

ترجمه مترجم: «به یاد می‌آوریم که آکادمی ملی علوم،...» (آستین ۱۳۹۴: ۸).

ایرادات:

- مترجم واژه «the members» به معنای «اعضا» را اشتبهاً «remember» یعنی «به یاد آوردن» ترجمه کرده است.

ترجمه پیش‌نهادی: ما اعضای آکادمی ملی علوم،...

نمونه سه:

(rather Sweeping Ontological or Epistemological Premisses, in some Cases, or Premisses about the Nature and Purpose of Science or of Religion) (Austin 1976: 2).

- ترجمه مترجم:** «که مقدمات وجودی یا معرفت‌شناختی، در مواردی، یا مقدماتی درباره طبیعت و غایت علم یا غایت دین را رفت‌وروب می‌کنند» (آستین ۱۳۹۴: ۸).

ایرادات:

- مترجم واژه «rather» به معنای «بیش‌تر، ترجیحاً، نسبتاً، و...» (آریان‌پور ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۸۵۹) را «که» معنا کرده و واژه «sweeping» را، که در این جا به معنای «گسترده و فراگیر» است (آریان‌پور ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۲۵۲)، «رفت و روب می‌کنند» معنا کرده که به کلی غلط است، بلکه عبارت «rather sweeping» روی هم به معنای «نسبتاً فراگیر» است.

- مترجم واژه «nature of science» را، که به معنای مصطلح «ماهیت علم» است، به صورت غیرمعمول «طبیعت علم» ترجمه کرده است.

- مترجم عبارت «of religion» را، که با «or» به «of science» عطف شده است و می‌بایستی هر دو وصف علم یعنی «nature / ماهیت» و «purpose / هدف» را دریافت می‌کرد، تنها به هدف علم عطف کرده است.

ترجمه پیش‌نهادی: (پیش‌فرض‌های نسبتاً فراگیر هستی‌شناختی یا معرفت‌شناختی، در بعضی موارد، یا پیش‌فرض‌هایی در مورد ماهیت و هدف علم یا [ماهیت و هدف] دین...).

نمونه چهار:

“Interpreting” the Doctrines Means Explaining their Relation to the Believers’ Experience (both the Experiences Characteristic of the Community, and those which its Members have in Common with others) and to the Body of their Non-Religious Knowledge and Beliefs (Austin 1976: 4).

ترجمه مترجم: «تفسیر کردن» این اعتقادات به معنای تبیین کردن نسبتشان با تجربه مؤمنان است (هم ویژگی این تجربه‌ها و هم ویژگی این جامعه و آنان که آحاد جامعه‌اش هستند وجه مشترک با دیگران) و با جماعتی دارد که واجد شناخت و باورهای نامؤمنانه جامعه است» (آستین ۱۳۹۴: ۱۰).

ایرادات:

- مترجم در این جا و در مواضع دیگر معمولاً میان واژه «doctrines» و واژه «beliefs» فرقی نگذاشته و هر دو را به «اعتقادات» و «باورها» ترجمه کرده است، در حالی که واژه «doctrines» معمولاً به معنای «آموزه‌ها» به کار می‌رود.

- مترجم به دلیل عدم توجه به اضافه واژه «characteristic» به بعد از خود، با حرف «of»، جمله درون پرانتز را به کلی نادرست معنا کرده است.

- معلوم نیست مترجم بر چه اساسی واژه «both» را به واژه «characteristic» ربط داده و از آن به «هم ویژگی... و هم ویژگی...» رسیده است، درحالی‌که واژه «both» متعلق به «... the experiences... and those...» یعنی «هم تجربه‌های... و هم تجربه‌های...» است.
- مترجم اسم اشاره «those» را، که اشاره به نوع دیگری از تجربه‌ها دارد، «آنان» ترجمه کرده و عبارت «those which its members» را که یک جمله ناقص و بدون فعل و مرتبط با بعد از خود است یک جمله کامل ولی کاملاً نادرست «آنان که آحاد جامعه‌اش هستند» ترجمه کرده است.
- بدتر از همه این‌که مترجم عبارات بعد از پرانتز را، که عطف به عبارات قبل از پرانتز است، به عبارات درون پرانتز مرتبط ساخته و بر اشتباهات ترجمه این بند افزوده است.
- مترجم واژه «body» را، که در این جا به معنای «دسته و مجموعه» است، «جماعت» معنا کرده و واژه معروف «Non-Religious» را که به معنای معروف «غیردینی/ غیرمذهبی» است به صورت نامأنوس «نامؤمنانه» ترجمه کرده و روشن نیست که برگردان‌های «واجد» و «جامعه» در پایان بند را از کجا آورده است.

ترجمه پیش‌نهادی: «تفسیرکردن» آموزها یعنی تبیین نسبت آن‌ها با تجربه مؤمنان (هم تجربه‌های مختص جامعه و هم تجربه‌های مشترک اعضای آن جامعه با دیگران) و با آن دسته از معارف و باورهای غیردینی آن‌ها.

نمونه پنج:

I am thus Denying the View, Expressed throughout A.D. White's History of the Warfare of Science with Theology, that while Science is at War with Theology (which Tries to Say what is the Case and therein Inevitably Encroaches on science's Territory), there can be no Conflict of Science with Religion (which Consists in the Effort to Live a Certain kind of Life) (Austin 1976: 5).

ترجمه مترجم: «بدین‌سان این نظر را که در سراسر کتاب ا. دی. وایت، تاریخ کارزار علم و الهیات به بیان درآمد، طرد و نفی می‌کنم که با آن‌که علم در کارزار و ستیز با الهیات است (که می‌کوشم به بیان درآورم که موضوع و مسئله از چه قرار است و حقیقت امر چیست که لاجرم پیش‌روی به سوی ناحیه علم می‌کند) که علم نمی‌تواند با دین در تعارض باشد (و آن عبارت است از این کوشش که بکوشیم بروفق نوعی از حیات زندگی کنیم)» (آستین ۱۳۹۴: ۱۳).

ایرادات:

مترجم جملات درون دو پرانتز را که در واقع دو جمله معترضه است بد ترجمه کرده است و به همین سبب انسجام جمله از دست رفته است.

ترجمه پیش‌نهادی: بنابراین، من این دیدگاه را که در سراسر [کتاب] تاریخ کارزار علم با الهیات [نوشته] ای. دی. وایت (A. D. White) بیان شده [و مدعی است] که در حالی که علم با الهیات (که در تلاش برای بیان چستی قضیه است و از این بابت ناگزیر به قلمرو علم دست‌اندازی می‌کند) در جنگ است میان علم با دین (که عبارت است از تلاش برای زنده‌نگه‌داشتن نوع خاصی از زندگی) می‌تواند هیچ تعارضی وجود نداشته باشد انکار می‌کنم.

۸,۲,۳ افتادگی کلمات و جملات کتاب در ترجمه فارسی

۱,۸,۲,۳ افتادگی برخی کلمات کتاب در ترجمه فارسی

در موارد متعددی، نویسنده در ترجمه فارسی، به عمد یا به سهو، ترجمه یک یا چند کلمه را از قلم انداخته و ترجمه نکرده و از پیش خود کلماتی به جمله افزوده و جمله را کامل کرده است:

نمونه یک:

WHEREAS we Understand that the California State Board of Education is Considering a Requirement that Textbooks for use in the Public-Schools Give Parallel Treatment to the Theory of Evolution and to Belief in Special Creation,... (Austin 1976: 1).

ترجمه مترجم: «نظر به این که استنباط ما این است که این درخواست برآورده شود که در برنامه آموزشی ایالت کالیفرنیا، در متون درسی زیست‌شناسی در مدارس دولتی، ساعات برابر به نظریه تکامل و باور به آفرینش‌گرایی تخصیص داده شود...» (آستین ۱۳۹۴: ۷).

ایرادات:

- مترجم علاوه‌براین که جمله را بد ترجمه کرده عبارت «for use»، به معنای «مورد استفاده»، و همین‌طور واژه «special»، به معنای «خاص و ویژه»، را از قلم انداخته است.

ترجمه پیش‌نهادی: از آن‌جاکه ما می‌دانیم که هیئت‌مدیره آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا تقاضایی را بررسی کرده است که کتاب‌های درسی [زیست‌شناسی] مورد استفاده در

مدارس دولتی [آن ایالت]، با نظریه تکامل و [نظریه] باور به آفرینش ویژه، برخورد یکسانی داشته باشند،....

نمونه دو:

We, the Members of the National Academy of Sciences, Assembled at the Autumn 1972 Meeting, Urge that Text- Books of the Sciences, Utilized in the Public Schools of the Nation, be Limited to the Exposition of Scientific Matter (Austin 1976: 2).

ترجمه مترجم: «به یاد می آوریم که آکادمی ملی علوم در جلسه پاییزی سال ۱۹۷۲ بر این نکته پای فشرده که کتاب‌های درسی علوم که در مدارس دولتی مورد بهره‌برداری است لازم است مقصور شوند به بیان موضوعات علمی» (آستین ۱۳۹۴: ۸).

ایرادات:

- مترجم واژه «assembled» به معنای «گردهم آمده» و هم‌چنین واژه «of the nation» به معنای «کشور» را ترجمه نکرده است. ضمن این‌که برای برگردان «لازم است» در متن اصلی معادلی وجود ندارد.

ترجمه پیش‌نهادی: ما اعضای آکادمی ملی علوم در نشست پاییز سال ۱۹۷۲ گرد هم آمده و مصرانه خواستاریم که کتاب‌های درسی علوم مورد استفاده در مدارس دولتی کشور به بیان موضوع[ات] علمی محدود شوند.

۲.۸.۲.۳ افتادگی برخی جملات کتاب در ترجمه فارسی

مترجم گاهی به عمد یا به سهو برخی جملات را از قلم انداخته و ترجمه نکرده است:

نمونه یک: در صفحه سه متن اصلی کتاب، انتهای پاراگراف اول، جمله‌ای آمده است که در ترجمه کتاب که بایستی در سطور پایانی پاراگراف دوم می‌آمد ترجمه نشده و سؤال پایانی پاراگراف یادشده که به همین جمله مربوط بوده به جملات قبلی پیوند خورده و موجب ابهام بیش از حد معنای آن بند شده است:

but a Scientist Wishing to Take Account of Theology would Immediately be Faced with the Question which Theology: Catholic, Mahayana Buddhist, or what? (Austin 1976: 3).

ترجمه مترجم: «بی‌درنگ با این پرسش رویاروی می‌شود که کدام دین: دین کاتولیک، میانان بودیسم یا چه دین دیگر؟» (آستین ۱۳۹۴: ۹).

ایراد:

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مترجم سطر اول این بند را ترجمه نکرده است. ضمن این‌که «theology» را دین ترجمه کرده است که دقیق نیست. **ترجمه پیش‌نهادی:** اما دانشمندی که مایل به در نظر گرفتن الهیات است بلافاصله با این پرسش مواجه می‌شود که کدام الهیات؛ کاتولیک؟ ماهاپانه بودیسم؟ یا چه الهیاتی؟

۳،۸،۲،۳ افتادگی برخی پاراگراف‌های کتاب در ترجمه فارسی

بسی تعجب است که نویسنده گاهی یک پاراگراف را به‌طور کامل از قلم انداخته و ترجمه نکرده است:

نمونه یک: در صفحه دو متن اصلی، پاراگراف دوم که بسیار مهم بوده و نویسنده به‌نوعی در آن طرح مسئله کرده و هدف خود را بیان داشته است، و بایستی در صفحه هشت ترجمه می‌آمد، به‌عمد یا به‌سهو، به‌طور کامل از قلم افتاده و ترجمه نشده است. به‌سبب اهمیت این پاراگراف و به‌جهت استفاده علاقه‌مندان، متن این پاراگراف به‌هم‌راه ترجمه پیش‌نهادی آن آورده می‌شود:

The thesis Advanced in the third 'whereas' Clause, i.e. that 'Religion and Science are ... Mutually Exclusive Realms of Human Thought,' is the Claim i wish to Examine in this Book. I Take the Claim to be, not Merely that the two Realms of Thought are Distinct, but that they have no Bearing on each other. This Claim is now Widely Accepted among Scientists, and Perhaps still more widely among Theologians and Philosophers, and forms the basis for what has been Called 'the Uneasy Truce between Science and Theology'. Uneasy though it may be, the Truce is for the most part Welcome on both sides. Perhaps because it is so Welcome, there has been (to my Knowledge) no Careful, Sustained, Comprehensive Examination of its basis, i.e. of the Grounds for Holding that Science and Theology are in Principle mutually Irrelevant. This Book is Intended as a Contribution to such an Examination (Austin 1976: 2).

ترجمه پیش‌نهادی: رساله [ی حاضر] برحسب سومین بند [از چهار بند قطع‌نامه فوق که در آن عبارت] «درحالی که» [یا «از آن‌جا که» آمده است] پیش‌رفته است؛ یعنی بندی [که در آن] این ادعا مطرح شده است [که] «علم و دین ... قلمروهای غیرقابل جمع تفکر بشرند»، [و] من مایلم در این کتاب [آن را] بررسی کنم. من فرض می‌کنم که [آن] ادعا این باشد که آن‌ها نه تنها دو عرصه فکری متمایز هستند، بلکه هیچ‌گونه ارتباطی با یک‌دیگر ندارند. این

ادعا اکنون در بین دانشمندان به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است و شاید هنوز به‌طور گسترده‌تری در میان متکلمان و فلاسفه [موردپذیرش باشد] و مبنایی را شکل می‌دهد برای آنچه که «[جنگ] آتش‌بس‌ناپذیر میان علم و الهیات» نامیده می‌شود؛ [جنگ آتش‌بس‌ناپذیری که چه‌بسا ممکن است آتش‌بس در بیش‌تر موارد برای هر دو طرف مورداستقبال باشد. (به‌نظر من) شاید برای این که [آتش‌بس] خیلی مورداستقبال است، هیچ بررسی دقیق، پایدار، و جامعی از مبنای آن وجود نداشته است؛ یعنی از زمینه‌های موجودی که [براساس آن‌ها] علم و الهیات دراصل دو طرف بی‌ربط هستند. کتاب حاضر به‌عنوان بخشی از چنین بررسی‌ای در نظر گرفته شده است.

۹,۲,۳ کاربرد آموزشی کتاب به‌عنوان متن درسی یا کمک‌درسی دانشگاهی

ترجمه کتاب با وضع موجود، به‌دلیل مبهم و نارسا بودن و اشتغال بر اغلاط تایپی و عدم رعایت قواعد نگارش و ویرایش - که بر ابهام آن افزوده است - مناسب برای هیچ منبع درسی نیست. در صورت اصلاح کامل و جامع، اگر خلاصه شود و در قالب کتاب درسی درآید، برای معرفی جهت مطالعه بخشی از محتوای درس کلام جدید در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، درس فلسفه دین در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین، و درس اندیشه اسلامی ۲ در مقطع کارشناسی رشته‌های مختلف دانشگاهی (ویژه اساتید) می‌تواند کاربردی باشد.

۱۰,۲,۳ پیش‌نهادهای کاربردی در خصوص اصلاحات لازم کتاب

ترجمه کتاب نیاز به بازنگری اساسی دارد. پیش‌نهاد می‌شود که نخست از حیث ادبی، رعایت قواعد نگارش و ویرایش، و اصلاح اغلاط تایپی کاملاً ویرایش شود و سپس فرد دیگری که قلم روانی دارد، ترجمه کتاب را با تطبیق بر متن اصلی ویرایش علمی کند و بسیاری از جملات آن بازنویسی یا بازترجمه و مجدداً چاپ و منتشر شود.

۴. نتیجه‌گیری

کتاب *ربط علم طبیعی به الهیات*، اثر ویلیام اچ. آستین، از معدود کتاب‌هایی است که به‌صورت تخصصی و تفصیلی به مسئله رابطه علم طبیعی و الهیات پرداخته و دیدگاه‌های متعدد قائلان به بی‌ربطی علم و الهیات را مورد نقد و بررسی قرار داده و پس از نقض و رد آن‌ها، مدعی وجود روابط متعددی میان علم طبیعی و الهیات شده و از این حیث نقاط قوت

فراوانی دارد، اما ترجمه علی حقی نقاط قوت اندک دارد و دارای نقاط ضعف بسیاری است؛ ترجمه کتاب از جهت نمونه‌خوانی و اغلاط چاپی، از حیث رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش، و از حیث ابهام و تعقید به بازنگری جدی و اساسی نیاز دارد و با وضع موجود، مناسب برای هیچ منبع درسی و حتی کمک‌درسی نیست. ارائه این ترجمه از کتاب توسط مترجم محترمی که کتاب‌های متعددی را ترجمه کرده است، با این حجم از اشکالات برای چاپ، مایه تأسف است و انتشار آن بدون داوری تخصصی یا دست‌کم بدون برطرف کردن اشکالات ظاهری آن از سوی ناشر کتاب، که جزو ناشران مطرح کشور است، جای بسی تأمل دارد.

کتاب‌نامه

- آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۸)، فرهنگ گسترده پیش‌رو آریان‌پور، ج ۱، تهران: جهان رایانه.
- آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۹)، فرهنگ گسترده پیش‌رو آریان‌پور، ج ۲، تهران: جهان رایانه.
- آستین، ویلیام اچ. (۱۳۹۴)، ربط علم طبیعی به الهیات، ترجمه علی حقی، تهران: نشر علم.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵)، دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بابایی، پرویز (۱۳۷۴)، فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی - فارسی)، تهران: نگاه.
- پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۷۹)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، جستارهایی در کلام جدید، تهران: سمت.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۰)، فلسفه دین، قم: بوستان کتاب.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲)، گستره شریعت، تهران: معارف.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲)، کلام جدید با رویکرد اسلامی، قم: معارف.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، رابطه علم و دین در غرب، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- رضایی مهر، حسن (۱۳۹۲)، دین و علوم طبیعی، تهران: امیرکبیر.
- زینلی، روح‌الله (۱۳۸۹)، علم و دین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- علی‌زمانی، امیرعباس (۱۳۸۰)، تأملاتی در باب رابطه علم و دین، قم: احیاگران.
- قاسمی، جواد (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات فلسفه، کلام، و منطق، مشهد: آستان قدس رضوی.
- محیطی اردکان، محمدعلی (۱۳۹۲)، «پیشینه رابطه علم و دین در اسلام و غرب»، مجله معرفت، ش ۱۸۸.

۲۷۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۹۹

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، *رابطه علم و دین*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مک‌کایگ، ایزابل و مارتین مینسر (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات انگلیسی - فارسی*، ترجمه پرویز
بیرجندی و دیگران، تهران: قومس.
هات، جان اف. (۱۳۸۲)، *علم و دین*، تهران: کتاب طه.

Austin, William Harvey (1976), *The Relevance of Natural Science to Theology*, John Hick
(General eds.), London and Basingstoke: The MacMillan Press LTD.